

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ضرورت افزایش فرزندآوری در عصر قبل و بعد از انقلاب اسلامی زهرا مجاوری^۱

^۱. طلبه سطح دو، مدرسه علمیه حضرت آمنه سلام الله علیها، zarimoji2.22@gmail.com

چکیده:

چند سالی است که پس از هشدار متخصصین مبنی بر پیر شدن جمعیت در چند سال آینده، جامعه ما با واژه‌های افزایش جمعیت و فرزندآوری بیشتر آشنا گشته است. این مقاله در پی آن است که بررسی کند آیا ضرورتی برای این امر وجود دارد یا خیر. و اگر بلی، چه رابطه‌ای میان این ضرورت در قبل و بعد از انقلاب وجود دارد؟ این مقاله در حیطه علوم اجتماعی به بررسی این موضوع می‌پردازد. با توجه به تأکید آیات و روایات و نظرات متخصصین، در ابعاد دینی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، خانوادگی و نیز جهت زمینه سازی ظهور ضرورت داشت و دارد که فرزندآوری افزایش یابد.

واژگان کلیدی:

انقلاب، جمعیت، ظهور، فرزندآوری.

مقدمه:4

در سال ۱۳۹۰ مقام معظم رهبری ^{منظله} در سخنان خود مقوله تازه‌ای را مطرح کردند و آن کاهش نرخ فرزندآوری و پیر شدن جمعیت ایران در چند سال آینده بود. طبق آمارها این سخن صحیح و نافذ است به طوری که حتی به زیر سطح جانشینی رسیده. با توجه به نظر کارشناسان مختلف، کاهش فرزندآوری و موالید، آسیب‌های جدی و گاه جبران ناپذیری در ابعاد مختلف برای کشور ایران و مذهب شیعه به دنبال دارد و برای جلوگیری از این آسیب‌ها باید مقدمات فرزندآوری فراهم و موانع آن رفع گردد. یکی از راه‌های فراهم کردن مقدمات، آن است که ضرورت و اهمیت موضوع برای اقشار مختلف جامعه از مسئولین تا مردم روشن گردد. آگاهی همیشه مقدمه و زمینه ساز حرکت است و برای داشتن حرکتی فعال و پویا باید این آگاهی‌ها دقیق، گسترده و موشکافانه باشد تا جای گریزی باقی نگذارد. ضرورت افزایش فرزندآوری در ابعاد دینی، سیاسی، امنیتی، اجتماعی و فرهنگی قابل طرح است. این مقاله به شیوه کتابخانه‌ای به بررسی این موضوع پرداخته است. از جمله آثاری که در این زمینه وجود دارد میتوان به کتاب «قتل عام خاموش» نوشته صالح فاسمی اشاره کرد که در ۵ فصل به بررسی تاریخچه مدیریت جمعیت و بازخوانی طرح‌های نظام سلطه برای مهار جمعیت جهان، پرداخته است. از دیگر کتب «جمعیت و قدرت ملی» نوشته فتح الله کلاتری و کاظم سام دلیری است که در ده بخش به بررسی رابطه موضوعات جمعیت و مؤلفه قدرت پرداخته. اما آنچه این نوشتار را از سایرین متمایز می‌سازد، توجه به اهمیت گسترش ضرورت مبحث، گردآوری منظم و نو و نیز الگوگیری از تاریخ ایران پیش از انقلاب است.

مفهوم شناسی:

ضرورت:

- **معنای لغوی:** چیزی که به آن احتیاج داشته باشند؛ نیاز؛ حاجت. (به ضرورت: به ناچار؛ از روی ناچاری؛ ناگزیر).^۲
- **معنای اصطلاحی:** در برخی علوم، ضرورت در جایی به کار می‌رود که یک محمول مثل "الف" از یک موضوع مثل "ب"، جدایی ناپذیر و غیرقابل انفکاک باشد.^۳
- در این جا منظور ما از ضرورت نیاز شدید است، به نحوی که یکی بدون دیگری ممکن نباشد. که در مقابل فایده - به معنای آن که باشد خوب است، اما اگر نباشد مشکلی ایجاد نمی‌شود - قرار می‌گیرید.

۲. فرهنگ فارسی عمید.

۳. دانشنامه جوزوی ویکی فقه.

درباره جمعیت چهار دیدگاه مختلف وجود دارد: اصالت افزایش جمعیت، اصالت کاهش جمعیت، اصالت ثبات جمعیت، اصالت حد متناسب جمعیت.^۴ آنچه در این جا بحث می‌شود آن است که افزایش جمعیت به وسیله فرزندآوری ضرورت دارد یا خیر.

باید گفت، یک دسته از مسائل در هر عصر و مکانی وجود دارد که به سبب آن‌ها فرزندآوری برای هر نسل و کشور ضروری می‌شود، بنابراین فرقی نمی‌کند پیش از انقلاب باشد یا پس از آن، اصلاً کشور ایران باشد یا سایر کشورهای مسلمان و شیعه در جهان. اما یک دسته مباحث هست که به جهت مختصات خاص مکانی و زمانی برای یک کشور در یک دوره خاص ایجاد ضرورتی ویژه می‌کند تا با فرزندآوری منافع مورد نیاز را کسب و از معایب پیش‌بینی شونده دوری گزینند. به همین جهت، این مقاله ابتدا به بررسی ضرورت مشترک و سپس مختص - قبل و بعد از انقلاب اسلامی - می‌پردازد.

۱. ضرورت مشترک:

۱.۱. ضرورت دینی:

برای رسیدن به عاقبتی خیر، عقلمان، ما را به پیمودن راهی که مطمئن و همه‌جانبه باشد، رهنمون می‌شود. این راه فقط همانی است که الله برای ما معین کند، چراکه او به عنوان آفریدگار، تسلط همه‌جانبه بر ابعاد وجود ما دارد. مسلمانان و شیعیان واقعی، دین را از منوط به عبادات نمی‌دانند و اجرای فرامین الهی برای نیل به سعادت را در ابعاد مختلف زندگی خویش - همچون ابعاد سیاسی و اجتماعی - جاری می‌سازند. طبق این مبنا شایسته است بررسی شود که در زمینه فرزندآوری از دیدگاه خداوند متعال، بین راهها و نظرات گوناگون کدامین راه صحیح و مقرب‌تر است؟

۱،۱،۱. قرآنی:

پیش از هر چیز ابتدا به بررسی اصل جایگاه فرزند از نظر خداوند می‌پردازیم. در قرآن کریم تعابیر مختلفی از فرزند شده است که در این جا به آن‌ها اشاره می‌گردد:

۴. قاسمی، قتل عام خاموش، صص ۲۲ - ۲۵.

۱،۱،۱. نعمت الهی: «وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَجَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْوَابِكُمْ بَنِينَ وَحَفَدَةً وَرَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ أَفَبِالْبَاطِلِ يُؤْمِنُونَ وَبِنِعْمَتِ اللَّهِ هُمْ يَكْفُرُونَ». (خداوند برای شما از جنس خودتان همسرانی قرار داد؛ و از همسرانتان برای شما فرزندان و نوههایی به وجود آورد؛ و از پاکیزه‌ها به شما روزی داد؛ آیا به باطل ایمان می‌آورند، و نعمت خدا را انکار می‌کنند؟)۵

در اینجا می‌بینیم که وجود فرزندان و نوه‌ها در کنار روزی‌های پاکیزه به عنوان نعمت‌های الهی معرفی شده‌اند. در واقع این آیه کریمه به انسان‌ها این پیام را می‌دهد که خداوند برای شما از همسران‌تان فرزندان و یاورانی قرار داد که به خدمت آنان در حوائج‌تان استعانت کنید و با دست آنان ناملایمات را از خود دور سازید. این موضوع، اساسی (بنیان) تکوینی است که ساختمان مجتمع بشری بر آن بنا می‌شود و اگر آن نبود، مجتمعی تشکیل نمی‌یافت و این تعاون و همکاری که میان افراد هست پدید نمی‌آمد و تشریک در عمل و سعی میسر نمی‌شد؛ و در نتیجه بشر به سعادت دنیا و آخرت خود نمی‌رسید. آری اگر بشر این رابطه تکوینی را که خدا به او انعام کرده قطع کند و این رشته پیوند را بگسلد، آن وقت به هر وسیله دیگری متوسل گردد، جایگزین این رابطه تکوینی نگشته و جمعی جمع نمی‌شود. با متلاشی شدن جمع بشر و از بین رفتن حمایت‌های مادی و معنوی انسان‌ها از همدیگر و پراکندگی وحدت‌شان، هلاکت شان قطعی است.۶

۱،۱،۲. متاع: «زَيْنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْخَرْبِ ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَآبِ». (محبّت امور مادی، از زنان و فرزندان و اموال هنگفت از طلا و نقره و اسب‌های ممتاز و چهارپایان و زراعت، در نظر مردم جلوه داده شده است؛ -تا در پرتو آن، آزمایش و

۵. نحل، ۷۲.

۶. طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه: موسوی، ج ۱۲، صص ۴۳۰ و ۴۳۱.

تربیت شوند؛ ولی- این‌ها- در صورتی که هدف نهایی آدمی را تشکیل دهند،- سرمایه زندگی پست -مادی- است؛ و سرانجام نیک -و زندگی والا و جاویدان-، نزد خداست).^۷

۱،۱،۱،۳. زینت زندگی: «الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ أَمَلًا» (مال و فرزند، زینت زندگی دنیاست؛ و باقیات صالحات -ارزش‌های پایدار و شایسته- ثوابش نزد پروردگارت بهتر و امیدبخش‌تر است)^۸

نکته لازم به ذکر این است که اگرچه این آیه اموال و فرزندان را زینت زندگی دنیوی می‌داند اما به تصریح بخش انتهایی آیه یعنی: «وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ أَمَلًا»، این امور زینت‌هایی زودگذرند که اگر از طریق قرار گرفتن در مسیر «اللَّهِ» رنگ جاودانگی نگیرند بسیار بی‌اعتبارند.

۱،۱،۱،۴. مایه امتحان و آزمونش: «وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَأَنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ» (و بدانید اموال و اولاد شما، وسیله آزمایش است؛ و -برای کسانی که از عهده امتحان برآیند،- پاداش عظیمی نزد خداست)^۹

۵- بشارت برای والدین: «وَأَمْرَأَتُهُ قَائِمَةٌ فَضَحِكَتْ فَبَشَّرْنَاهَا بِإِسْحَاقَ وَمِنْ وَرَاءِ إِسْحَاقَ يَعْقُوبَ» (و همسرش ایستاده بود، -از خوشحالی- خندید؛ پس او را بشارت به اسحاق، و بعد از او یعقوب دادیم).

۷. آل عمران، ۱۴.

۸. کهف، ۴۶.

۹. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۲، ص ۴۴۵.

۱۰. انفال، ۲۸.

و نیز: «وَنَبِّئْهُمْ عَنْ ضَيْفِ إِبْرَاهِيمَ إِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا سَلَامًا قَالَ إِنَّا مِنْكُمْ وَجِلُونَ»^{۱۱} قَالَوَا لَا تَوَجَّلْ إِنَّا نَبَشْرُكَ بِغُلَامٍ عَلِيمٍ: (و به آن‌ها از مهمان‌های ابراهیم خبر ده! * هنگامی که بر او وارد شدند و سلام کردند؛ - ابراهیم- گفت: «ما از شما بی‌مناکیم!» * گفتند: «ترس، ما تو را به پسری دانا بشارت می‌دهیم!»).

و همچنین: «وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا»: (و کسانی که می‌گویند: «پروردگار! از همسران و فرزندانمان مایه روشنی چشم ما قرار ده، و ما را برای پرهیزگاران پیشوا گردان!»).^{۱۱}

ممکن است پرسیده شود که همسران و فرزندان چگونه می‌توانند مایه افتخار و چشم روشنی انسان گردند؟ در پاسخ می‌گوییم دعای مؤمنین این است که همسران و فرزندان‌شان موفق به طاعت خدا و اجتناب از معصیت او شوند و در نتیجه از عمل صالح آنان، چشم ایشان روشن گردد. و این دعا می‌رساند که بندگان رحمان غیر از این، دیگر حاجتی ندارند. و نیز می‌رساند که بندگان رحمان اهل حق و حقیقت‌اند و پیروی هوای نفس نمی‌کنند زیرا هر همسر و هر ذریه‌ای را دوست نمی‌دارند، بلکه آن همسر و ذریه را دوست دارند که بنده خدا باشند.^{۱۲}

از جمیع این مباحث استفاده می‌گردد که نزد خداوند فرزند و فرزندآوری فعلی شایسته است و خداوند انجام یک فعل شایسته را کم نمی‌خواهد، یعنی هر چه یک فعل شایسته بیشتر انجام شود اجر و قرب بیشتری برای انسان حاصل می‌شود. و اگر جامعه یک دست در این مسیر قرار بگیرد، بیشتر مورد عنایت خداوند متعال واقع می‌شود.

۰۱،۱،۲ روایی:

پس از بررسی آیات، برای روشن‌تر شدن بحث از سخنان معصومین تمسک می‌جوئیم.

۱۱. به ترتیب: هود، ۷۱؛ حجر، ۵۱؛ فرقان، ۷۴.

۱۲. طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه: موسوی، ج ۱۵، ص ۳۳۹.

۱،۲،۱. در حدیثی امام محمد باقر علیه السلام می‌فرمایند: «پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: با دختر باکره‌ای که فرزندآور است ازدواج کنید و با زن نازای زیبا ازدواج نکنید زیرا من به فزونی جمعیت شما در روز قیامت مباحثات می‌کنم»^{۱۳}

روشن است که تشویق به ازدواج با زن فرزندآور و بیان علتی که برای آن ذکر نموده - مباحثات به فزونی جمعیت - دلالت بر مطلوبیت فرزند زیاد دارد.

۱،۲،۲. در حدیثی امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «رسول خدا فرمودند: بر تعداد فرزندان بیافزایید تا در روز قیامت به فزونی شما بر امت‌ها تفاخر کنم»^{۱۴}

در این حدیث پیامبر مستقیماً و صریحاً امر به افزایش فرزندآوری کرده اند که دلالت آن بر مطلوبیت این موضوع و استحبابش روشن است.

۱،۲،۳. از امام صادق نقل شده که فرمودند: «فردی نزد پیامبر آمد و عرض کرد: ای پیامبر خدا من دختر عمویی دارم که از زیبایی، خوش اخلاقی و دینش راضی شده ام ولی نازاست. پیامبر فرمود با او ازدواج نکن؛ زیرا حضرت یوسف وقتی با برادرش ملاقات کرد، گفت: برادر جان! چگونه توانستی پس از من، ازدواج کنی؟ عرض کرد: پدرم به من دستور داد و فرمود: اگر می‌توانی فرزندان داشته باشی که بر روی زمین، تسبیح کنند خداوند را، این کار را بکن. امام صادق علیه السلام فرمود: فردای آن روز نیز مردی خدمت پیامبر آمد و همان سؤال را پرسید. پیامبر فرمود: با زن سوءاء فرزندآور ازدواج کن، زیرا من در روز قیامت به شما بر سایر امت‌ها افتخار می‌کنم. راوی می‌گوید به امام صادق عرض کردم مراد از «سوءاء» چیست؟ فرمود زن زشت رو»^{۱۵}

این حدیث از جوانب مختلف بر مطلوبیت فرزندآوری و فراوانی اولاد دلالت می‌کند:

- امر به ازدواج با دختر فرزندآور.
- تعلیل به تفاخر بر امت‌ها در روز قیامت به فراوانی جمعیت مسلمانان.
- مطلوبیت ازدیاد تسبیح کنندگان.

۱۳. کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۳۳۳.

۱۴. کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۲.

۱۵. کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۳۳۳.

- ترجیح ازدواج با زن «زشت روی فرزندآور» بر ازدواج با زن «زیبای نازا».

۱،۱،۲،۴. از جابر بن عبدالله نقل شده که گفت: «نزد پیامبر بودیم که فرمود: بهترین زنان شما زن فرزندآور با محبت و با عفت، گرامی در میان خانواده، متواضع در مقابل شوهر، آرایش کننده برای شوهر و خودنگهدار در مقابل غیر اوست. زنی که حرف شوهرش را می شنود و مطیع دستورات اوست و زمانی که با هم خلوت می کنند، هر چه شوهر بخواهد در اختیارش می گذارد»^{۱۶}

این حدیث بدان سبب که یکی از صفات بهترین زنان امت را «فرزندآور» بودن آنها برشمرده، به خوبی دال بر مطلوبیت فرزندآوری در آموزه های نبوی و اسلامی به عنوان یک عمل مستحب است.

۱،۱،۲،۵. در حدیثی امام صادق می فرمایند: «رسول خدا فرمودند با دختران باکره ازدواج کنید زیرا آنها از جهت بوی دهان خوشبوتر و از حیث شیردهی پرشیرتر و از لحاظ رحم فراخ ترند؛ آیا نمی دانید که من در روز قیامت به فزونی شما بر آمتها حتی به جنین سقط شده افتخار می کنم؟ جنین سقط شده جلوی در بهشت منتظر می ایستد و وقتی خداوند می گوید داخل بهشت شو، عرضه می دارد که داخل نمی شوم تا اینکه قبل از من پدر و مادرم داخل بهشت شوند. سپس خداوند به فرشته ای دستور می دهد که پدر و مادرش را بیاورید و سپس به آنها امر می کند که داخل بهشت شوند. سپس خداوند به آن جنین می فرماید این به سبب فضل رحمت من بود نسبت به تو»^{۱۷}

این حدیث ضمن برشماری ویژگی های ارجح زنان برای انتخاب به عنوان همسر، بر مطلوبیت ازدیاد فرزند دلالت دارد و ازدواج را راهی برای فزونی جمعیت مؤمنین معرفی می کند.

۱،۱،۲،۶. در حدیثی امیرالمؤمنین علیه السلام می فرمایند: « ازدواج کنید. چرا که رسول خدا بسیار می فرمودند: هر کس دوست دارد که از سنت من پیروی کند، باید ازدواج کند، زیرا از

۱۶. کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۳۲۴.

۱۷. کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۳۲۴.

سنت من ازدواج است. و در طلب فرزند باشید، زیرا من فردای قیامت به شما بر سایر امت‌ها مباحث می‌کنم»^{۱۸}

۱،۲،۷. در حدیثی حضرت امام صادق می‌فرماید: «میراث الهی بنده مؤمن، فرزند صالح و درستکاری است که برای او استغفار کند»^{۱۹}

این حدیث نه تنها به مطلوب بودن اصل فرزندآوری دلالت دارد، بلکه یکی از آثار و «برکات جاری» آن را حتی پس از مرگ انسان نیز مورد اشاره قرار می‌دهد. این مضمون در روایات دیگر نیز تکرار شده است.

۱،۲،۸. از رسول خدا نقل است که می‌فرماید: « پنج گروه اند با اینکه از دنیا رفته اند ولی پرونده آن‌ها بسته نشده و دائماً به آنان ثواب می‌رسد: کسی که درخت خرما کاشته، کسی که چاه آب حفر کرده، کسی که برای خدا مسجدی ساخته، کسی که قرآنی نوشته، کسی که فرزندی شایسته از خود به جای گذارده»^{۲۰}

۱،۲،۹. در حدیثی حضرت امام صادق می‌فرماید: «رسول خدا می‌فرماید: حضرت عیسی بن مریم علیهما السلام از کنار قبری گذشت که صاحب آن عذاب می‌کشید، سال بعد نیز از کنار همان قبر گذشت و دید دیگر عذاب نمی‌شود. عرض کرد: پروردگارا چرا سال گذشته که از این قبر عبور کردم صاحبش عذاب می‌شد و امسال دیگر عذاب نمی‌شود؟ خداوند به او وحی فرمود: فرزند صالحی از او بزرگ شد و راه درستی را پیش گرفت و یتیمی را سرپرستی نمود و من به خاطر کارهای فرزندش، او را آمرزیدم. سپس رسول خدا فرمودند میراث الهی عبد مؤمن، فرزندی است که خداوند را عبادت کند. سپس امام صادق این آیه را تلاوت فرمودند: (پس تو از نزد خود جانشینی به من ببخش که وارث من و دودمان یعقوب باشد؛ و او را مورد رضایت قرار ده)»^{۲۱}

۱۸. مجلسی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ۱۰۰، ص ۲۱۸.

۱۹. ابن بابویه، من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۴۸۱.

۲۰. مجلسی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ۱۰۱، ص ۹۷.

۲۱. کلینی، الکافی، ج ۶، صص ۳ و ۴.

۱،۱،۲،۱۰. در حدیثی از حضرت امام باقر نقل شده که فرمودند: «رسول خدا فرمودند: چه چیز مؤمن را باز می‌دارد از اینکه همسری را اختیار کند بدان امید که خداوند فرزندی به او روزی دهد که زمین را به لا اله الا الله سنگین کند»^{۲۴}

در اینجا می‌بینیم که گویی حتی مطلوبیت اختیار همسر نیز به فرزندآوری و ازدیاد تعداد مؤمنین به خدا منوط شده است.

۱،۱،۲،۱۱. در حدیثی حضرت امام باقر می‌فرمایند: «از سعادت مرد این است که برایش فرزندی باشد که در او شباهت آن مرد از قبیل شکل و خلق و خوی و خصوصیاتش دیده شود»^{۲۳}

۱،۱،۲،۱۲. در حدیثی حضرت امام سجاد علیه السلام فرمودند: «از سعادت مرد آن است که محل تجارتش در شهرش باشد و دوستانش افرادی شایسته باشند و اینکه فرزندی داشته باشد که از آن‌ها یاری بگیرد»^{۲۴}

۱،۱،۲،۱۳. در حدیثی حضرت امام کاظم علیه السلام می‌فرمایند: «سعادت مند است انسانی که نمیرد تا جانشین خودش را ببیند»^{۲۵}

تعبیر به «سعادت» و خوشبختی از «فرزند» داشتن در سه حدیث بالا، جایگاه ستوده و والای این عمل را در گفتمان حدیثی اهل بیت نشان می‌دهد.

۱،۱،۲،۱۴. در حدیثی از حضرت امام کاظم یا حضرت امام رضا علیه السلام نقل شده که فرمودند: «هنگامی که خداوند برای بنده ای خیر بخواهد، او را نمی‌میراند تا جانشینش را به او نشان دهد. (فرزندی به او عطا کند)»^{۲۶}

۱،۱،۲،۱۵. در کتاب من لا یحضره الفقیه از یکی از معصومین نقل شده: «هر کسی که بمیرد و از خود فرزندی به جا نگذارد، مانند این است که هیچ زمانی بین مردم نبوده است و هر

۲۲. ابن بابویه، من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۸۲

۲۳. کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۴.

۲۴. کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۲۵۷.

۲۵. کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۴.

۲۶. ابن بابویه، من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۸۱.

کس فرزندان‌ی از خود به جا بگذارد مانند این است که هیچ وقت نمرده است»^{۲۷} به هر حال مطلوبیت «فرزندآوری» و «فرزند داشتن» امری ثابت در فرهنگ اهل بیت است، تا آن‌جا که می‌بینیم به عنوان یکی از نتایج حیات انسان مؤمن معرفی می‌شود.

۱،۱،۲،۱۶. پیامبر خدا فرمودند: «فرزند بخواهید و آن را التماس کنید -از خداوند-؛ چرا که مایه روشنی چشم و شادی قلب است»^{۲۸}

۱،۱،۲،۱۷. پیامبر خدا فرمودند: «فرزند صالح از سعادت‌مندی مرد است»^{۲۹}

۱،۱،۲،۱۸. پیامبر خدا فرمودند: «فرزند برای پدر، گلی خوش بو از جانب خداست که آن را می‌بوید. -این گل را خداوند- میان بندگان‌ش تقسیم کرده است»^{۳۰}

۱،۱،۲،۱۹. حضرت امام صادق فرمودند: «بدون تردید، خداوند بر بنده خود به خاطر شدت محبت به فرزندش، رحم می‌کند»^{۳۱}

۱.۲. ضرورت اقتصادی^{۳۲}

۱،۲،۱. پویایی صنایع:

اگر نیروی جوان در کشور نباشد، صنایع نمی‌تواند به خوبی اداره شود و رشد داشته باشد و منجر به خمودگی و رکود می‌گردد.

۱،۲،۲. تأمین نیروی کار:

اگر جمعیت کشور کم باشد و نه تنها رشد نکرده، بلکه کاهش یابد، توازن نیازمندی به نیروی کار در کشور و مشاغل موجود به هم می‌خورد؛ آنگاه برای تأمین کالا یا خدمات

۲۷. ابن بابویه، من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۸۱.

۲۸. طبرسی، مکارم الأخلاق، ص ۲۲۴.

۲۹. ابن فهد حلی، عده الداعی و نجاح الساعی، ص ۸۶.

۳۰. ابن فهد حلی، عده الداعی و نجاح الساعی، ص ۸۶.

۳۱. کلینی، الکافی، ج ۶؛ ص ۵۰.

۳۲. روزنامه کیهان، رابطه افزایش جمعیت با تولید و رشد ثروت ملی، ۱۶ آبان ۱۳۹۶، شماره ۲۱۷۶۶، ص ۸.

مجبور به توسل به بیگانه می‌شویم که این خود هزینه‌های مادی، روحی، فرهنگی و اعتقادی برجای خواهد گذاشت.

۱،۲،۳. تولید ثروت:

به این دلیل که هرچه کارکرد زیاد شود، ثروت بیشتری تولید می‌شود، با افزایش جمعیت، کار انسان‌ها در یک کشور زیاد شده و به تبع ثروت هم زیاد می‌شود.

۱،۲،۴. افزایش تولید ملی:

هر اندازه جمعیت کشور بیشتر باشد و نیروی جوان آن هم زیاد باشد، درخواست و تقاضا در ابعاد مختلف بالا می‌رود و با مدیریت خوب استعدادها و امکانات می‌توان تولید ملی را بالا برد و برای تأمین نیازهای داخلی چشم به راه خارج نبود.

۱،۳. تأمین امنیت ملی و قدرت دفاعی:

هر اندازه جمعیت یک کشور بیشتر باشد، قطعاً قدرت یک کشور از جهت سیاسی-امنیتی بالا می‌رود و توان دفاعی بهتری پیدا می‌کند؛ چراکه این مهم نیازمند نیروی انسانی است.

۱،۴. جلوگیری از پیرشدن جمعیت:

اگر جمعیت یک کشور پیر باشد در ابعاد مختلف مضراتی به همراه دارد. به جز از کار افتادگی اقتصادی و نظامی، نگهداری از سالمندان هزینه بسیاری برای کشور دارد^{۳۲}، مخصوصاً پس از آن که اقتصاد کشور بخواهد، تأمین این هزینه‌ها مشقت بار خواهد شد. علاوه بر آن نشاط جامعه و فرهنگ آن رو به افول می‌رود. فرزندان را تصور کنید که مجبورند با صرف هزینه و وقت به تنهایی، از تعداد زیادی مسن نگهداری کنند.

۱،۵. جلوگیری از آفات فکری و اخلاقی:

۱،۵،۱. تک فرزندی:

۳۲. عباسی ولدی، ایران جوان بمان، ص ۴۳.

رشد بایسته‌های شخصیتی و اخلاقی در افراد یک کشور بسیار حائز اهمیت است؛ اگر اکثر خانواده‌ها دارای فقط یک فرزند باشند، نسل آینده دچار آفات روان‌شناسی بسیاری خواهد شد. به گفته متخصصین تک‌فرزندی آفاتی همچون بلوغ زودرس، وابستگی شدید، عدم استقلال شخصیتی و غیره به همراه دارد. علاوه بر این نشاط خانواده به واسطه نبود اقوام درجه یک مثل خاله، دایی، عمو و عمه از بین می‌رود.^{۳۴}

۱.۵.۲. عدم رضایت، آرامش و شادی:

خانواده‌هایی که صاحب فرزند هستند، بیش از سایرین از زندگی لذت می‌برند و احساس خوشبختی می‌کنند. نتایج تحقیقات پژوهشگران دانشگاه «بریگهام یانگ» آمریکا بر ۲۰۰ هزار خانواده از ۸۶ کشور جهان، بین سال‌های ۱۹۸۱ تا ۲۰۰۵ نشان می‌دهد که داشتن فرزند موجب کاهش فشار خون والدین، افزایش تمایل به یادگیری، استفاده بیشتر از قدرت تعقل، افزایش اعتماد به نفس، امکان بهتر درک زیبایی‌ها، دقت بیشتر در کارهای جزئی و افزایش شادی والدین می‌گردد؛ تحقیقات جدید نیز نشان می‌دهد، پدر و مادر شدن، والدین را از خطر ابتلا به سرطان و بیماری‌های قلبی محافظت می‌کند. همچنین، این تحقیقات حاکی از آن است که بارداری زنان در عملکرد حافظه آن‌ها اثر گذاشته و موجب می‌شود مغز عملکرد بهتری داشته باشد.^{۳۵}

از آن سو خانواده‌هایی که فرزند نداشته باشند یا کم داشته باشند با مشکلات روحی و روانی مثل عدم بارداری، تحمل هزینه‌های درمان و تمسخر در جامعه مواجه می‌شوند.

۲. ضرورت مختص:

۲.۱. قبل از انقلاب:

پیش از اینکه انقلاب اسلامی در ایران اتفاق بیافتد، مردم تحت ظلم نظام شاهنشاهی به سر می‌بردند. این نظام علاوه بر خودکامگی، بنده و مستعمره سایر کشورها بود. این استعمار به هدف چپاول منابع طبیعی ایران و استفاده برده‌گونه از منابع انسانی آن بود. بنابراین از

۳۴. برگرفته از: دهنوی، نسیم مهر.

۳۵. آیت‌اللهی و دیگران، دانش خانواده و جمعیت، ص ۱۸۵.

طرفی لازم بود جمعیت مردم زیاد باشد تا بتوانند در مقابل دشمن ایستادگی کنند و از طرفی نیازمند جمعیت شیعه بود تا برای ایجاد یک انقلاب دینی - سیاسی آماده شود. زمانی که از امام خمینی رحمه‌الله‌علیه پرسیده شده بود که به چه امیدی در حال آماده سازی یک قیام هستند؟ پاسخ داده بودند: «سربازان من در گهواره هستند»؛ این بدان معناست که امید رهبر قیام ایران، به فرزندان آینده‌ساز کشور بوده است. نتیجه آن را هم به جز انقلاب و قیام، می‌توان در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران مشاهده کرد، اگر نسل جوانی وجود نداشت تا در مقابل دشمن بایستد، جنگی با دستان خالی در مقابل تجهیزاتی پشتیبانی شونده توسط کشورهای استعمارگر غربی و اروپایی، هرگز به نفع و با پیروزی ایران پایان نمی‌یافت. همچنین سازندگی‌هایی که پس از جنگ اتفاق افتاد هم ایجاد نمیشد.

۲،۲. بعد از انقلاب:

انقلاب اسلامی در ایران با هدف از میان بردن ظلم و ایجاد یک حکومت اسلامی انجام شد. اما قطعاً این هدف یعنی ایجاد یک حکومت سرآغاز راهی بلند برای مردم ایران بود. آنچه پس از انقلاب اهمیت می‌یابد، اداره کشور بر اساس مضامین اسلامی است؛ به نحوی که علاوه بر تأمین رضایت خداوند، آرامش و رشد برای مردم ایجاد شود تا در سایه سار آن به عبودیت پرداخته و دنیا و آخرت خود را آباد کنند. این اهداف بلند و تشکیل حکومت همگی ذیل تحقق حکومت جهانی موعود به تحقق واقعی خود دست می‌یابد و انقلاب اسلامی کوشید تا زمینه ساز این حرکت جهانی باشد. در همین راستا، انقلاب به عنوان الگو نمونه برای سایر کشورهای جهان از جمله کشورهای اسلامی گشت تا ظلم نپذیرند و آماده قیام موعود باشند. اما تا کنون هیچ کشوری نتوانسته اقتدار، امنیت و شکوه ایران اسلامی را داشته باشد. بنابراین هنوز هم به برکت وجود علما و ولایت فقیه کشور ما سرآمد جهانیان است. قطعاً انقلاب اسلامی در ایران نیز همچون تمامی حرکت‌های بر حق در طول تاریخ، به دور از کینه ورزی و خصومت شیاطین انسی - به پیروی از سران جنی خود- نبوده است. خصومت

دشمنان به علت‌های گوناگون همچون تسلط بر جهان و القای اندیشه‌های خداناباورانه خود برای تلذذ هرچه بیشتر در این جهان مادی می‌باشد که ناخودآگاه ظلم بر عده کثیری از مرد را به دنبال دارد، همانگونه که در تاریخ مشاهده‌گر آن بوده‌ایم. این عناد گاهی به صورت جنگ فیزیکی خود را نشان داده و گاهی هم به صورت جنگ نرم. اما پس از اینکه دشمنان اسلام، نتوانستند به مقاصد شوم خود از طریق جنگ سخت دست یابند، از هیچ هربه‌ای در جگم نرم فروگذار نکردند تا بتوانند به نحوی شاهد ضعف ایران و به خصوص شیعیان آن باشد. همان‌طور که بیان شد، کاهش فرزندآوری در یک کشور، که با مفاهیم پیر شدن جمعیت و کاهش نرخ رشد جمعیت گره خورده، منجر به ضعف کشور در ابعاد مختلف می‌شود و کم‌کم آن کشور را به ورطه افول و نابودی می‌رساند. دشمن نیز از این وسیله به خوبی استفاده کرده تا به اهداف خویش برسد. از جمله آن می‌توان به این موارد اشاره کرد: اعما زور و فشار در ایجاد قوانین نادرستی برای کاهش موالید در کشور از طریق سازمان ملل و سایر سازمان‌های جهانی، سعی همه جانبه برای تغییر فرهنگ و نگاه مردم از طریق رسانه و فضای مجازی پیرامون مسئله فرزندآوری به خصوص در قسمت اعتقادات از جمله اعتماد به رزاقیت خداوند و یا ایجاد احساس کمبود در بانوان برای خانه‌داری و فرزندآوری و غیره، تولید و صدور محصولات یا آموزش دستور ساخت محصولات که موجب نازایی می‌شود، ترویج عمل‌ها و صدور وسایل ضدبارداری و موارد متعدد دیگر از این دست. که متأسفانه با همکاری و یا حداقل اهمال برخی مسئولین مواجه شده و به طور گسترده رواج یافته است و موجب شده نرخ موالید در چند سال اخیر به شدت کاهش یافته و کشور وارد دوران سالمندی خود شود و اگر هر چه سریع‌تر جلوی آن گرفته نشود، به بحرانی جبران ناپذیر تبدیل خواهد شد. قطعاً افزایش فرزندآوری به صورت دستوری صورت نخواهد گرفت و لازم است زیرساخت‌های لازم برای آن در کشور فراهم شود؛ چه زیر ساخت‌های مادی و چه فرهنگی. در هر حال برای تحقق اهداف انقلاب و پی‌ریزی ساختمان حکومت جهانی حضرت مهدی عجل‌الله‌فرجه باید آنچه را تا کنون مانع از ایجاد حکومت حق بر روی زمین گشته بود، یعنی نبود یار و یاور برای حضرات معصومین، از میان برد و آن محقق نمی‌شود مگر با یارسازی و تربیت نسل جوان مهدوی، یعنی نسلی متدین، متعهد، کاردان و سازنده.

حسن ختام این نوشتار را با بیانی از مقام معظم رهبری مدظله العالی به پایان می‌بریم: «مسئله‌ی فرزندآوری و مسئله‌ی نسل بسیار مهم است؛ این موضوعی است که بنده بارها در این چند سال اخیر تکیه کرده‌ام و تأکید کرده‌ام، [ولی] متأسفانه حالا که انسان نتایج را نگاه می‌کند، معلوم می‌شود که خیلی این تأکیدها تأثیر زیادی نداشته. این‌ها احتیاج دارد به قانون، احتیاج دارد به دنبال‌گیری جدی دستگاه‌های اجرائی و بایستی بجد مسئله‌ی فرزندآوری را مهم دانست و از پیری جمعیت ترسید. حالا خارجی‌ها را کار نداریم؛ دشمن، دشمن است؛ اما بعضی کج‌سلیقگی‌ها را متأسفانه آدم در داخل مشاهده می‌کند - یک جایی خواندم - که می‌گویند «آقا! پیری جمعیت اشکالی ندارد!» چطور اشکالی ندارد؟ یکی از پُرفایده‌ترین ثروت‌های یک کشور، جمعیت جوان در یک کشور است که ما بحمدالله از اوایل انقلاب تا امروز برخوردار بوده‌ایم و اگر بنا باشد بعداً برخوردار نباشیم، یقیناً عقب خواهیم ماند».^{۳۶}

۳۶. بیانات در ارتباط تصویری با نمایندگان یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۹/۴/۲۲، Khamenei.ir

نتیجه:

برای بیان ضرورت فرزندآوری قبل و پس از انقلاب اسلامی باید گفت یک دسته ضرورت مشترک وجود دارد و یک دسته ضرورت مختص.

در وهله اول در بیان ضرورت مشترک گفته می‌شود، طبق آیات و روایات فرزندآوری موجب خوشنودی پروردگار و فلاح مؤمنین می‌گردد. پس از آن رشد کشور در ابعاد سیاسی، اقتصادی، امنیتی و فرهنگی در گرو داشتن نسلی جوان و پرشور است.

در وهله بعدی، در بیان ضرورت مختص گفته می‌شود، ایران قبل از انقلاب برای تشکیل پایه‌های نظام اسلامی و مقابله با دشمن و نیز ایجاد سازندگی نیازمند افزایش جمعیت و نیروی جوان بود. پس از انقلاب هم، چون انقلاب اسلامی ایران الگویی است برای ایجاد انقلاب جهانی موعود، و این حکومت نیازمند زمینه سازی است و هم‌زمان باید با خصم مواجه شود، نیازمند نسلی جوان و کشوری پرجمعیت و کارآمد است.

منابع:

۱. قرآن کریم، ترجمه: مکارم شیرازی، ناصر.
۲. آیت اللهی، زهراء و دیگران، دانش خانواده و جمعیت، تهران: دفتر نشر معارف، ۲۷، ۱۳۹۵.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، ۴ جلد، قم: دفتر انتشارات اسلامی - وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم -، دوم، ۱۴۱۳ ق.
۴. ابن فهد حلی، احمد بن محمد، عده الداعی و نجاح الساعی، قم: دار الکتب الإسلامی، اول، ۱۴۰۷ ق.
۵. دانشنامه حوزوی ویکی فقه.
۶. دهنوی، حسین، نسیم مهر، قم: خادم الرضا، یکصد و چهاردهم، ۱۳۹۶.
۷. روزنامه کیهان، رابطه افزایش جمعیت با تولید و رشد ثروت ملی، ۱۶ آبان ۱۳۹۶، شماره ۲۱۷۶۶، ص ۸.
۸. طباطبایی، سیدمحمدحسین، ترجمه‌ی «المیزان فی تفسیر القرآن»، ترجمه: موسوی، محمدباقر، قم: دفتر انتشارات اسلامی - وابسته به جامعه مدرسین -، پنجم، ۱۳۷۴.
۹. طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الأخلاق، قم: شریف رضی، چهارم، ۱۴۱۲ ق.
۱۰. فرهنگ فارسی عمید.
۱۱. قاسمی، صالح، قتل عام خاموش، تهران: خیزش نو، اول، ۱۳۹۵.
۱۲. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی (ط - الإسلامیه)، ۸ جلد، تهران: دار الکتب الإسلامیه، چهارم، ۱۴۰۷ هـ-ق.
۱۳. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (ط - بیروت)، ۱۱۱ جلد، بیروت: دار إحياء التراث العربی، دوم، ۱۴۰۳ ق.
۱۴. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الإسلامیه، چاپ دهم، ۱۳۷۱.
۱۵. ولدی عباسی، محسن، ایران جوان بمان، قم: آیین فطرت، اول، ۱۳۹۶.

۱۶. Khamenei.ir